



# دینداری در سایه یک نظام سیاسی غیر دینی

گفت و گو با ایوب اکسل کوهلر،  
رئیس شورای مرکزی  
مسلمانان آلمان

ترجمه: پریسا رضایی

۲/۲ میلیون مسلمان ساکن آلمان هستند. از هر شش نفر تنها یکی سازماندهی شده است و اتحادیه‌ها دچار انشقاق و پراکندگی هستند. ایوب اکسل کوهلر، سال گذشته ریاست شورای مرکزی مسلمانان در آلمان (ZMD) را بر عهده گرفت. او تنها فرد در میان رهبران اتحادیه‌های بزرگ به شمار می‌رود که به اسلام گرویده است. کوهلر که در سال ۱۹۳۸ در شهر اشتتین به دنیا آمد، در ۱۹۶۳ به اسلام گروید. شورای مرکزی، در کنار شورای اسلامی یکی از پر نفوذترین اتحادیه‌های اصلی اسلامی در آلمان است. صدها انجمن متعلق به مساجد که مسلمانانی آلمانی، ترک، عرب، آلبانیایی، بوسنیایی و ایرانی نمایندگان آن هستند، به این شورا تعلق دارند. البته تصورات شورای مرکزی مسلمانان مورد جدل است. بر این اساس، این اتحادیه تاکنون به صراحت درباره شریعت، یعنی قانون جزایی در اسلام سخنی نگفته و خود را کنار کشیده است. این شورا همچنین درباره تساوی حقوق میان زن و مرد اظهار نظری نمی‌کند. ایوب اکسل کوهلر تا زمان بازنشستگی‌اش، در موسسه اقتصاد آلمان در کلن کار می‌کرد. او در این گفت‌وگو که با مجله دی ولت انجام داده به وضعیت مسلمانان در آلمان می‌پردازد.

ایمان نیست. این امر درباره رفتارمان در خلال ماجرای کاریکاتورها مصداق داشت. بله ما از آزادی عقیده و مطبوعات و همچنین آزادی هنر دفاع می‌کنیم. ما به خوبی می‌دانیم که این آزادی به چه کار می‌آید. بسیاری از مسلمانان اهل کشورهای هستند که در آنها شرایطی مبتنی بر دموکراسی حاکم نیست. این عده از زندگی کردن در اینجا شاد هستند و ما نیز از این آزادی دفاع می‌کنیم. البته ما نیز به ناچار باید پیوسته از خود بیرسیم که آیا همراه با آزادی، مسوولیت نیز نمی‌آید. در این زمینه ما تنها نیستیم. ما در تلاش برای برقراری رابطه با همه کسانی هستیم که همین دیدگاه را دارند.

\*اما شورای شما به تازگی همراه با سه اتحادیه اسلامی دیگر، وعده دیداری با کلیسای انجیلی آلمان را که از مدت‌ها پیش بر

\*شما از یک سال پیش، ریاست شورای مرکزی مسلمانان در آلمان را بر عهده دارید. رابطه مسلمانان با جامعه اکثریت، هنوز هم با دردسره‌های فراوان همراه است. حتی یک "شورای مرکزی مسلمانان سابق" نیز تشکیل شده است. آیا این امر شما را ناراحت می‌کند؟ سقوط ایمان، چیزی نیست که بانش خوشحال باشیم. هیچ جماعت دینی هم از این موضوع خوشحال نخواهد شد. اما ما در منشورمان، خود را پایبند آزادی مثبت و منفی برای دین ساخته و چه در داخل و چه در خارج به صراحت موضعگیری کرده‌ایم. پس باید اینگونه پدیده‌ها را پذیرفت.  
\*با این حال شما را متهم به وانمود کردن به ایمان می‌کنند.  
ما پیوسته ثابت کرده‌ایم که مساله ما تظاهر به

سر آن توافق شده بود، ملغی کرد. "دست یاری" آنان در زمینه مرادوه با مسلمانان، تاکیدی قوی بر اندیشه‌های دینی است. آیا گفت‌وگو به پایان رسیده است؟

خبر. به هیچ وجه. به تعویق افتادن به معنای ملغی شدن نیست. شورای هماهنگی چهار اتحادیه هنوز مشغول بحث و گفت‌وگو راجع به سند صادره از سوی کلیساهای انجیلی است. ما از کلیسا پرسش‌هایی داریم و مایل هم هستیم اسقف هوبر را یک‌بار دیگر دعوت کنیم تا با ما در این زمینه صحبت کند. بدیهی است که گفت‌وگوها ادامه خواهد یافت.

**\* آیا شما با کلیسای کاتولیک هم گفت‌وگو می‌کنید؟**

مسلم است، به‌طور منظم. ما به تازگی با مجمع اسقفان آلمان گفت‌وگویی شفاف و به‌ویژه تخصصی داشتیم که شامل مضامین مهم فی‌مابین هم می‌شد. **\* چرا به برقراری ارتباط با کلیساها تا این حد اهمیت می‌دهید؟**

جامعه ما با مشکلات بزرگی مواجه است و هیچ جماعت دینی نمی‌تواند این مشکلات را به تنهایی حل کند. کلیساها هم به تنهایی قادر به حل آنها نیستند. اما جماعت دینی در این جامعه مسوولیت‌هایی دارند که وظیفه دارند به انجام برسانند. از این گذشته، ما باید این را به مردم نشان دهیم که دلیل جنگ‌ها، ادیان نیستند. و ادیان نیز باید نشان دهند که چگونه می‌توان تحت شرایط مساعدی که حکومت غیردینی آلمان فراهم کرده است، در صلح و صفا با یکدیگر به شکلی سازنده برای جامعه کار کرد.

**\* بنا به دیدگاه اسلامی، حقوق بشر به آن شکلی که در سطح بین‌المللی ریشه دارد، تنها تا آن اندازه اعتبار دارد که با شریعت در تضاد نباشد. آیا درست است؟**

ما به عنوان شورای مرکزی اسلام از حقوق بشر بین‌المللی دفاع می‌کنیم. ما هر کجا هم که قادر باشیم از حقوق بشر دفاع می‌کنیم. ما بدون کم و کسر بر بستری از قانون اساسی ایستاده‌ایم.

**\* چگونه می‌خواهید با خطر سوءاستفاده سیاسی از قرآن مقابله کنید؟**

مثالی برای آن به ذهن نمی‌رسد که چگونه می‌توان در این کشور از قرآن برای مقاصد سیاسی سوءاستفاده کرد. ما از لحاظ سیاست حزبی خنثی هستیم. ما در سال ۲۰۰۲ در منشور اسلام تصریح

کردیم که خواهان تاسیس حکومت الهی نیستیم و همچنین خواستار حقوق ویژه برای خود نیز نیستیم. قانون اساسی ما به مسلمانان هر آنچه را که ما نیاز داریم، تضمین می‌دهد. تنها چیزی که برای مسلمانان مطرح است، عمل کردن به اصول ایمانی است. در این زمینه متأسفانه باید هنوز مراحل را طی کنیم. **\* برای نمونه در زمینه ذبح اسلامی که در آلمان بیشتر به چشم عملی بدوی نگریسته می‌شود و با حمایت از حیوانات همخوانی ندارد؟**

این هم جزئی از عمل کردن به اصول ایمانی است. در این مورد ما به تفاهم رسیده‌ایم. و من همیشه می‌گویم که اگر قرار باشد حیوانی را بکشیم، انسانی‌ترین روش، ذبح کردن است.

**\* آیا شورای هماهنگی که شما از آن صحبت کردید، پیش درآمد ایجاد یک نمایندگی یکپارچه برای اسلام است؟**

همینطور است. بدیهی بود که ما این کار را در ایالت نوردراین و وستفالن آغاز کردیم، آن هم فقط به دلیل تلاش‌های مدارس که چشم‌انداز آن مدنظر قرار گرفته بود. در اینجا جدل بر سر اینکه چه گروهی باید با دولت آلمان وارد گفت‌وگو باشد، می‌توانست زیان‌بار باشد. سرانجام می‌بینیم که اختلاف چندانی در این مورد وجود ندارد که چه چیز باید تدریس شود. شورای مرکزی، شورای اسلام، اتحادیه مراکز فرهنگی اسلام و اتحادیه ترکی-اسلامی امور دینی (دیتیب) توانسته‌اند به تفاهمی دست یابند. ما نیز باید بکوشیم جوابگوی همه چیز باشیم.

**\* در یک نگاه دوراندیشانه، آیا می‌توانید حزبی اسلامی را در آلمان تصور کنید که در انتخابات هم شرکت کند؟**

چنین تلاش‌هایی انجام هم شده است. اما معلوم شده این کار بیهوده‌ای خواهد بود و از آن هیچ حاصلی به دست نمی‌آید. من هم نسبت به این موضوع هشدار می‌دهم که از جماعتی دینی سوءاستفاده سیاسی شود. نمی‌خواهم بگویم که ایجاد چنین حزبی می‌تواند سوءاستفاده باشد. اما این کار به دور از سوءاستفاده هم نیست. در شرایط کنونی توصیه من این است که مبادرت به چنین کاری نشود. چیزی که باید برای ما مطرح باشد، این است که به عنوان شهروندان این کشور بتوانیم بنا به باورهای ایمانی و اسلامی خود زندگی کنیم. این مردم فقط اسلام را در ذهن ندارند. آنها می‌خواهند در اینجا کار کنند و به موفقیت دست یابند. آنها

آدم‌آهنی‌هایی نیستند که از راه دور کنترل می‌شوند و می‌خواهند آلمان را اسلامی کنند. اینان عده‌ای هستند که مانند دیگران می‌خواهند در جامعه نیز فعالانه مشارکت داشته باشند.

**\* و آیا موفق به چنین امری می‌شوند؟**  
این امر، هر روز دشوارتر می‌شود. برای نمونه هنگامی که قانون مربوط به اطلاعات ترور به تصویب برسد، اوضاع به قرار ذیل خواهد بود. تعلق دینی در این اطلاعات ثبت و ضبط خواهد شد. سپس سوءظن عمومی بار دیگر به شکل رسمی

**ما باید به مردم نشان دهیم که دلیل جنگ‌ها، ادیان نیستند. و ادیان نیز باید نشان دهند که چگونه می‌توان تحت شرایط مساعدی که حکومت غیردینی آلمان فراهم کرده است، در صلح و صفا با یکدیگر به شکلی سازنده برای جامعه کار کرد**

درخواست آمد. ظاهراً عرصه سیاسی با نظر موافق این را به جان می‌خرد که مسلمانان هر روز بیشتر از اعلان علنی دین خود خودداری ورزند و در این زمینه دست به خویشتن‌داری زنند. هر روز تعداد کمتری از افراد در مجامع دینی فعالیت می‌کنند. خطر اساسی در این زمینه هم‌اکنون هم به اندازه کافی شدید است. من یک چنین قانونی را بی‌نهایت خطرناک می‌دانم، خطرناک برای حکومت قانونی آزادیخواه و دموکراتیک به طور کلی. در این صورت، توسعه هویت شخص در نطفه خفه خواهد شد. اما بدون آزادی هم از توسعه خبری نخواهد بود.

**\* اما شویبله، وزیر کشور اعلام کرده است، مسلمانان جزئی از جامعه ما هستند...**

ادای چنین سخنی را کار بسیار درستی می‌دانم. من بلافاصله پس از ادای آن، نفس راحتی کشیدم، هر چند به عنوان یک فرد آلمانی در هر حال جزئی از این جامعه هستم. بله، و به تازگی هم شویبله بار دیگر به زبان عده‌ای سخن گفت که بذریع اعتمادی می‌باشند. آن هم بدون دلیلی خاص. من جا خوردم! متوجه این نکته هستم که این می‌تواند بار دیگر پشت مسلمانان را خالی کند. اما من را نه. من اینطور می‌گویم. مسلمانان، یعنی اصلاً بشریت را فقط می‌توان با عشق به بشریت به سوی خود جلب کرد و در این صورت است که می‌توان قلب‌ها را تسخیر کرد.